

Provincial Differences in Changes of Labor Market Components by Sex between 1986 and 2016 in Iran: Correlates and Policy Requirements

Nader Motie Haghshenas¹

Abstract

The main aim of this study was to identify the past and current status of economic participation, employment and unemployment rates by sex in different provinces of Iran during the last 30 years. The research was conducted using the exploratory analysis and the secondary data. The main source of data was Iranian censuses during the period of 1986-2016. The results showed remarkable provincial differences in unemployment rate during this 30-year period. Despite fluctuations in the rates in different years, we always observed high female unemployment rates and regional imbalances. In addition, the gender gap and inequality in the country's labor market have not moderated. According to the regression analysis, the variable of unemployment rate had a negative (-0.694) and significant effect on economic participation rate in 2016. When the variable of human development was included in the model, it showed a direct and significant effect on the economic participation rate (+0.511). The amount of variance explained by independent variables was estimated as 40%. The effect of the development of provinces on the employment rate of women was not statistically significant. Regional characteristics and the issues of land acquisition have particular importance in developing employment policies. It is necessary to consider the social and cultural aspects besides the economic components across provinces, especially the less developed and border ones.

Keywords: Participation rate, Unemployment rate, Human development index, Gender, Regional balance

Received: 2021-10-19

Accepted: 2022-08-16

¹ Assistant Professor of Demography, National Institute of Population Research, Tehran, Iran, nader.haghshenas@nipr.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.22034/jpai.2022.541237.1203>

مقاله پژوهشی

تفاوت‌های استانی تغییرات مولفه‌های بازار کار بر حسب جنس در ایران طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵: همبسته‌ها و الزام‌های سیاستی

نادر مطیع حق‌شناس^۱

چکیده

هدف اصلی این مطالعه شناخت وضع گذشته و موجود نرخ‌های فعالیت اقتصادی، اشتغال و بیکاری بر حسب جنس در استان‌های مختلف کشور طی ۳۰ سال اخیر بود. پژوهش به روش تحلیل اکتشافی انجام و از داده‌های ثانویه استفاده شده است. منبع اصلی داده‌ها، سرشماری‌های کشور در فاصله زمانی ۱۳۶۵-۱۳۹۵ بوده است. نتایج نشان داد تفاوت نرخ بیکاری در استان‌های مختلف کشور، در این دوره سی ساله چشم‌گیر بوده است. به‌رغم فراز و نشیب نرخ‌ها در سال‌های مختلف، همواره شاهد نرخ‌های بالای بیکاری در بین زنان بوده‌ایم و عدم تعادل‌های منطقه‌ای و نیز شکاف و نابرابری جنسیتی در بازار کار کشور تعدیل نشده است. تحلیل رگرسیونی نشان داد که متغیر نرخ بیکاری اثر منفی (۰/۶۹۴-) و معنادار بر نرخ فعالیت اقتصادی در سال ۱۳۹۵ داشت. متغیر توسعه انسانی زمانی که وارد مدل شد، با ضریب ۰/۵۱۱+ تأثیر مستقیم و معناداری بر نرخ فعالیت اقتصادی نشان داد. مقدار واریانس تبیین‌شده توسط متغیرهای مستقل ۴۰ درصد برآورد شد. اثر توسعه‌یافتگی استان‌ها بر نرخ اشتغال زنان نیز بررسی شد که از نظر آماری معنادار نشد. توجه به ویژگی‌های منطقه‌ای و مباحث آمایش سرزمین در تدوین سیاست‌های اشتغال‌زایی اهمیت ویژه‌ای دارد. ملاحظه زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی در کنار مؤلفه‌های اقتصادی در سطح استان‌های کشور به‌ویژه استان‌های کمتر توسعه‌یافته و مرزی ضروری است.

واژگان کلیدی: نرخ فعالیت، نرخ بیکاری، شاخص توسعه انسانی، جنسیت، توازن منطقه‌ای

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۷

^۱ استادیار جمعیت‌شناسی، گروه اقتصاد جمعیت و سرمایه انسانی، موسسه تحقیقات جمعیت کشور، تهران، ایران؛

nader.haghshenas@nipr.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.22034/jpai.2022.541237.1203>

مقدمه و بیان مسأله

در دو دهه گذشته، اقتصاد جهان شاهد تغییرات قابل توجهی در ساختار و پویایی بازارکار بوده است. صاحب‌نظران اقتصاد ایران معتقدند عدم تغییر در ساختار شغلی مورد نیاز و تغییرات مؤلفه‌های بازارکار در دهه گذشته از ویژگی‌های منحصربه‌فردی برخوردار بوده که کاملاً متفاوت از روندهای بلندمدت آن طی چهار دهه گذشته بوده است (فرجادی ۱۳۹۵؛ صالحی‌اصفهانی ۱۳۹۴؛ قارون ۱۳۹۵؛ بهنیا و علویان ۱۳۹۶). تجربه ایران درخصوص تحولات جمعیتی نشان می‌دهد علیرغم کند شدن آهنگ میزان رشد جمعیت، به دلیل تأثیر تحولات متغیرهای جمعیتی از جمله کاهش باروری (Abbasi-Shavazi, et al., 2009; Aghajanian and Mehryar 1999 و عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۸۳) و میزان رشد چشمگیر جمعیت فعال کشور به دلیل تغییر در ساختار سنی جمعیت (میرزایی و همکاران ۱۳۸۲؛ مشفق و میرزائی ۱۳۸۹) از یکسو و به دنبال آن افزایش عرضه نیروی کار جوان از اواسط دهه ۱۳۷۰، مشکل اشتغال و بیکاری جوانان تحصیل کرده و نیز انعطاف‌پذیری بازارکار برای جذب نیروهای جدید از سوی دیگر، حیات اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده است.

برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸) در شرایطی تدوین گردید که عدم تعادل‌هایی در برخی حوزه‌های بازارکار، از جمله بالا بودن نرخ بیکاری جوانان و زنان نسبت به بیکاری کل کشور، افزایش قابل توجه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیکار، افزایش دامنه تغییرات نرخ بیکاری در سطح استان‌های کشور و وجود عدم توازن‌های منطقه‌ای در بازار کار دیده می‌شد (امینی، ۱۳۹۴). تداوم همین روند در برنامه ششم توسعه (۱۴۰۰-۱۳۹۶) نیز در زمینه موضوعات خاص کلان فرابخشی در مورد بهبود محیط کسب و کار و اشتغال از جمله مسائل محوری آن بوده است. در این برنامه، مشکلات ساختاری، عدم تعادل جنسیتی در بازار کار، عدم تعادل استانی نرخ بیکاری، افزایش نرخ مشارکت زنان در بازارکار و روند رو به رشد فارغ‌التحصیلان بیکار طی دوره، از جمله چالش‌ها و عوامل انعطاف‌ناپذیری محیط کار در ایران مطرح شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵). این مسأله، خط استدلال این مقاله را نشان می‌دهد.

گزارش منتشر شده اتحادیه اروپا درخصوص برابری جنسیتی زنان و مردان در سال ۲۰۱۹ آشکار می‌سازد علیرغم برخی پیشرفت‌های دلگرم‌کننده در سال‌های اخیر، عدم حضور زنان در هیات مدیره شرکت‌ها و در موقعیت‌های مدیریتی چالش مهمی برای کشورهای عضو اتحادیه اروپا است. تعهد کادر اروپایی به زن شدن و پیشرفت در رهبری اقتصادی زنان از سال ۲۰۱۵ متوقف شده است. نسبت زنان عضو هیات مدیره در ۶۹ شرکت از بزرگترین شرکت‌های ثبت شده عمومی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا در اکتبر ۲۰۱۸ به ۲۶/۷ درصد رسید. این نسبت در کشور فرانسه ۴۴ درصد بوده است. این کشور، تنها کشور عضو اتحادیه اروپایی به‌شمار می‌آید که با حداقل ۴۰ درصد از هر دو جنس در سطح هیئت مدیره فعالیت می‌کنند. در ایتالیا، سوئد، فنلاند و آلمان زنان حداقل یک سوم اعضای هیئت مدیره را تشکیل می‌دهند. اما در کم‌تر از نیمی از کشورهای عضو (۱۲ کشور)، تعداد مردان هنوز از زنان ۴ به ۱ بیشتر است (European Commission, 2019).

مطالعات نشان می‌دهند که تصمیم زنان برای فعالیت در نیروی کار، تحت تأثیر بسیاری از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، که برخی از آن‌ها به‌آهستگی در طول زمان تغییر می‌کنند، درحالی‌که برخی دیگر می‌توانند به‌سرعت، توسط تغییرات در سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها تحت تاثیر قرار گیرند (Fabrizio et al. 2020). این نوع تصمیم‌گیری‌ها در کشورهای مختلف جهان به‌ویژه در منطقه خاورمیانه و کشورمان ایران متفاوت است. جذب و فعالیت زنان ایرانی در بازار کار نسبت به حضور هم‌تایان‌شان در جوامع صنعتی با تأخیر زمانی همراه بوده است. در ایران با توجه به تغییرات محسوسی که طی سال‌های اخیر در ترکیب جنسی جمعیت فعال به‌وجود آمده، اهمیت زنان، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. شواهد جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد نرخ فعالیت اقتصادی زنان از ۱۲/۹ درصد در سرشماری ۱۳۵۵ به ۱۴/۹ درصد در سرشماری ۱۳۹۵ رسیده که مبین تغییر و تکامل فعالیت زنان، تغییر هویت فردی و اجتماعی آنان است. علیرغم این افزایش، نرخ فعالیت زنان در مقایسه با مردان در کشور پایین است. نتایج مطالعات اخیر نشان می‌دهد، علیرغم مطالعات انجام شده در سطح ملی و تلاش‌های صورت گرفته توسط سیاست‌گذاران و نهادهای تصمیم‌ساز جهت مدیریت نرخ فعالیت اقتصادی نیروی کار، به

این نیاز در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و اقتصادی به‌صورت ریشه‌ای پرداخته نشده است. در مطالعه حاضر، برای درک بهتر مسأله، تلاش شده پس از مطالعه سطح و روند نرخ‌های فعالیت اقتصادی، اشتغال و بیکاری برحسب جنس، به بررسی شکاف جنسیتی، تفاوت‌ها و مشابهت‌های این شاخص‌ها و اثرات متقابل مؤلفه‌های بازار کار در سطح ملی و استان‌های مختلف کشور در ۳۰ سال اخیر پرداخته شود. علیرغم گستردگی مطالعات قبلی، وجه تمایز این مطالعه را با سایر تحقیقات انجام شده بایستی در بهره‌گیری از مدل معیار در استانداردسازی ترکیب جنسی جمعیت بر مبنای سرشماری ۱۳۹۵ دانست. همچنین، برآورد مؤلفه‌های بازار کار براساس بازسازی تقسیمات جغرافیایی استان‌ها در سرشماری‌های قبلی، یعنی از سال ۱۳۶۵ به بعد براساس سرشماری ۱۳۹۵ که در مرکز آمار ایران نیز انجام نشده و به‌عنوان یکی از خلأهای آماری محسوب می‌شود، وجه تمایز مطالعه حاضر است که در تحقیقات پیشین مورد توجه نبوده است. البته لازم به‌ذکر است مرکز آمار ایران، برآوردی از جمعیت استان‌های مختلف کشور را در سرشماری سال‌های ۱۳۶۵ به بعد بر مبنای ۳۱ استان در سرشماری ۱۳۹۵ انجام داده بود که از این گزارش ارزشمند بهره گرفته شد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸). این مقاله تلاش کرده است از درس‌های آموخته‌شده از تجربه کشورهای مشابه اقتصاد ایران در زمینه سیاست‌های بازارکار با رویکرد کاهش نابرابری جنسیتی استفاده کند. لذا بررسی ابعاد علمی این مسئله در کشور، هم از حیث علمی و هم از لحاظ کاربردی، وی نیز اولویت‌ها و فرصت‌های سیاستی حائز اهمیت است. هدف اصلی از انجام این تحقیق شناخت وضع گذشته و موجود نرخ‌های فعالیت اقتصادی، اشتغال و بیکاری برحسب جنس در سطح استان‌های مختلف کشور در ۳۰ سال اخیر می‌باشد. پرسش اصلی مطالعه این است که سطح و روند نرخ‌های فعالیت اقتصادی، اشتغال و بیکاری برحسب جنس در سطح استان‌های مختلف کشور در ۳۰ سال اخیر چگونه بوده است؟ این مطالعه درصدد است با رویکردی اکتشافی و مسئله محور، به شش سوال اساسی پاسخ دهد:

- ۱- وضع گذشته و موجود نرخ‌های فعالیت اقتصادی، اشتغال و بیکاری در سطح استان‌های مختلف کشور چگونه است؟
- ۲- الگوی فعالیت، اشتغال و بیکاری در بین دو جنس چه تغییراتی کرده است؟

- ۳- تفاوت و مشابهت فعالیت اقتصادی، اشتغال و بیکاری برحسب جنس در استان‌های دارای توسعه انسانی متفاوت چگونه است؟
- ۴- ارتباط بین نرخ فعالیت اقتصادی و نرخ بیکاری چگونه است؟ تفاوت‌ها بین دو جنس تاچه حد معنادار است؟
- ۵- ارتباط بین نرخ‌های فعالیت اقتصادی و شاخص توسعه انسانی چگونه است؟
- ۶- تغییرات سهم نسبی جمعیت فعال از نظراقتصادی در کل کشور و استان‌های منتخب برمبنای ترکیب جنسی جمعیت سال ۱۳۹۵ در سال‌های ۹۰-۱۳۶۵ چگونه است؟

مرور پیشینه تحقیق

درحوزه مطالعات خارجی می‌توان به مطالعه تانسل و همکاران^۱ (۲۰۱۵) اشاره کرد که ارتباط بین نرخ بیکاری و نرخ فعالیت اقتصادی در ترکیه را با توجه به گروه‌های سنی مختلف و همچنین به تفکیک جنس، مورد آزمون قرار دادند. نتایج مطالعه مذکور نشان می‌دهد ارتباط بلندمدتی بین نرخ فعالیت اقتصادی و نرخ بیکاری در ترکیه وجود ندارد. بررسی ارتباط بلندمدت بین نرخ بیکاری و نرخ فعالیت اقتصادی با روش ارائه شده توسط وسترلند^۲ (۲۰۰۶) نشان‌دهنده وجود ارتباط بلندمدت بین این دو متغیر می‌باشد که این نتیجه همراستا با فرضیه تغییرناپذیری بیکاری نیست. یلدریم^۳ (۲۰۱۴) به بررسی ارتباط بین نرخ بیکاری و نرخ فعالیت اقتصادی در ترکیه بین دو دسته زنان با تحصیلات عالی و زنان با تحصیلات سطوح پایین، با استفاده از آزمون‌های هم انباشتگی پرداخت. نتایج وی نشان داد ارتباط بلندمدت بین نرخ فعالیت اقتصادی و نرخ بیکاری در زنان با تحصیلات عالی وجود داشته است، حال آن‌که این ارتباط برای زنان با تحصیلات سطوح پایین برقرار نیست. علاوه براین، شواهد مربوط به بررسی اثرات علی نشان‌دهنده آن است که اثر علی از نرخ بیکاری به سمت نرخ فعالیت اقتصادی وجود دارد؛ اما اثر برعکس، قابل تایید نیست.

1 Tansel

2 Westerlund

3 Yildirim

اوسترهولم^۱ (۲۰۱۰) به بررسی ارتباط بلندمدت بین نرخ بیکاری و نرخ فعالیت اقتصادی در سوئد پرداخت. نتایج بررسی این ارتباط با روش هم‌انباشتگی نشان داد که ارتباط بلندمدت قوی بین دو متغیر وجود دارد. بنابراین از نظر وی، این یافته، می‌تواند فرضیه تغییرناپذیری بیکاری را زیر سوال ببرد. کلارک و آنکر^۲ (۱۹۹۰) نرخ فعالیت نیروی کار مردان و زنان سالمند را در سطح بین‌المللی بررسی کرده‌اند. این پژوهشگران، با توجه به آثار جانشینی و درآمدی، مطرح می‌کنند که افزایش درآمد سرانه می‌تواند منجر به کاهش نرخ فعالیت اقتصادی افراد سالمند شود. این نتیجه، در الگوی نرخ فعالیت نیروی کار زنان و مردان تأیید می‌شود. نتیجه این مطالعه همچنین نشان می‌دهد که نرخ فعالیت نیروی کار زنان و مردان سالمند با تغییر روند توسعه اقتصادی افزایش می‌یابد. پژوهش فابریزیو^۳ و همکاران (۲۰۲۰) نشان داد که تصمیم زنان برای فعالیت در نیروی کار، تحت تأثیر بسیاری از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، که برخی از آن‌ها به‌آهستگی در طول زمان تغییر می‌کنند، در حالی که برخی دیگر می‌توانند به‌سرعت، توسط تغییرات در سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها تحت تأثیر قرار گیرند. بیودری و لمیو^۴ (۱۹۹۸) به بررسی نرخ فعالیت زنان در کانادا بین سال‌های ۹۴-۱۹۷۶ پرداخته‌اند و تأثیرات شرایط سنی و نیز عوامل کلان اقتصادی بر نرخ فعالیت نیروی کار زنان در کانادا را سنجیده‌اند. نتایج آن‌ها نشان داد که نرخ فعالیت اقتصادی زنان از ثبات نسبی برخوردار است و ثابت ماندن نرخ فعالیت اقتصادی و استخدام زنان یک پدیده ساختاری در این کشور است.

در حوزه ادبیات داخلی، می‌توان به مطالعه افقه و همکاران (۱۳۹۹) در زمینه برآورد شاخص توسعه انسانی استان‌های ایران و بررسی تأثیر آن بر رشد اقتصادی با استفاده از منطق فازی اشاره کرد. بررسی اجزاء شاخص توسعه انسانی در این مطالعه نشان داد که مهم‌ترین عامل کندی بهبود توسعه انسانی، رشد منفی درآمد سرانه استان‌ها در فاصله ۱۳۸۵

1 Osterholm

2 Clark. & Anker

3 Fabrizio

4 Beaudry & Lemieux

الی ۱۳۹۵ است. در این فاصله درآمد سرانه استان‌ها به‌طور متوسط حدود ۲۰ درصد کاهش یافته است. با دقت در یافته‌ها، ملاحظه می‌گردد که شاخص آموزش استان‌ها، نقطه قوت شاخص توسعه انسانی آن‌ها است که نشان می‌دهد تحولات خوبی در سال‌های اخیر رخ داده است و وضعیت آموزش و پرورش در کشور از دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ همواره رو به بهبود بوده و از ۰/۵۷۷ به ۰/۷۳۶ افزایش یافته است. توجه به این که در فاصله ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۵ روند بهبودی توسعه انسانی نسبت به قبل از آن بسیار اندک بوده است. اکبرموسوی و حقیقت (۱۳۹۵) با برآورد سری زمانی سرمایه انسانی بر مبنای متوسط سال‌های تحصیل ایران برای دوره ۱۳۹۲-۱۳۵۷ با روش بارو و لی، نشان دادند که متوسط سال‌های تحصیل رشد قابل‌ملاحظه‌ای را نشان داده و به حدود ۸ سال رسیده است. علیقلی (۱۳۹۵) در بررسی رابطه بین مشارکت زنان در نیروی کار و توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی نشان می‌دهد مقایسه نرخ‌های مشارکت نیروی کار از اقتصادهای در مراحل متفاوت توسعه، یک رابطه U شکل را آشکار می‌کند. در اقتصادهای کم‌تر توسعه یافته، رشد اقتصادی به توسعه و گسترش امکانات تحصیلی، طولانی‌تر شدن دوران تحصیل و نوع فعالیت‌های اقتصادی وابسته است و مجموعه این موارد، به نرخ مشارکت پایین‌تر برای هر دو جنس به‌ویژه برای زنان گرایش دارند. اما برای سطوح بالاتر توسعه گرایش دارد تا نرخ‌های مشارکت نیروی کار افزایش یابد.

نتایج مطالعه دلیری (۱۳۹۵) در بررسی فرضیه تغییرناپذیری بیکاری در استان‌های ایران نشان داد که ارتباط بلندمدت بین نرخ فعالیت اقتصادی و نرخ بیکاری تنها در استان‌های آذربایجان غربی، کرمان، همدان، زنجان و گلستان مورد تأیید است، حال آن‌که بررسی داده‌های تابلویی نشان از عدم برقراری اثرات بلندمدت بین نرخ فعالیت اقتصادی و نرخ بیکاری داشت. از این رو، به‌صورت کلی می‌توان گفت فرضیه تغییرناپذیری نرخ بیکاری در اقتصاد ایران مورد تأیید بوده و برای تغییرات گسترده در نرخ بیکاری کشور، باید به سمت مدیریت تقاضای نیروی کار با بهبود رشد انباشت سرمایه و تغییر در نیروی کار مؤثر رفت. مطالعه فرجادی (۱۳۹۵) نشان داد در دوره اول ۹۰-۱۳۸۵ اقتصاد کشور به‌رغم برخورداری از رشد اقتصادی شاهد رشد بسیار پایین اشتغال جدید بوده و به‌عبارتی رشد بدون اشتغال

تجربه شده و در دوره دوم ۹۴-۱۳۹۰ شاهد رشد اشتغال بدون رشد اقتصاد بودیم. مهاجرانی (۱۳۷۷) در تبیین تفاوت‌های اشتغال و بیکاری در استان‌های اصفهان، گیلان و کهگیلویه و بویراحمد، ضمن تأکید بر افزایش نابرابری در توسعه و تشدید جریان‌های مهاجرتی به‌ویژه مهاجرت نیروی‌کار بین نواحی مختلف کشور، علت اصلی تفاوت‌های میزان اشتغال و بیکاری و تفاوت نسبت شاغلین در بخش صنعت را تفاوت سرمایه‌گذاری صنعتی می‌داند. همچنین، دلیل تفاوت بار شاغلین را در تفاوت ساختار سنی جمعیت می‌بیند. نتایج نشان می‌دهد الگوی فضایی اشتغال و بیکاری در ایران با الگوی فضایی مرکز-پیرامون انطباق نسبی دارد. بدین معنی که اکثر استان‌های دارای موقعیت نسبی مرکزی وضعیت اشتغال بهتری نسبت به استان‌های دارای موقعیت حاشیه‌ای یا پیرامونی دارند و نسبت شاغلین آن‌ها در بخش صنعت به‌مراتب بیشتر است.

در مطالعه دیگری، مهاجرانی (۱۳۹۰) نشان می‌دهد به دلیل تغییراتی که در چند دهه گذشته در ساختار جمعیت ایران پدید آمده، ساختار نیروی‌کار نیز دگرگون شده است. افزایش سطح باروری در دهه ۶۵-۱۳۵۵، تأثیر تأخیری بر نیروی‌کار داشته و متولدین دهه مذکور که در سال ۱۳۸۵ به سنین ۳۰-۲۰ ساله رسیدند، رشد ۳/۹ درصد نیروی‌کار را باعث شدند. در این افزایش، مشارکت بیشتر زنان در نیروی‌کار نیز نقش داشته است. تا سال ۱۳۷۵، رشد نیروی‌کار در ایران سیر نزولی را نشان می‌دهد که دلیل آن افزایش میزان مشارکت در تحصیل جمعیت ۲۴-۱۵ ساله بوده است. در تغییر تقاضای کار یا فرصت‌های شغلی، عوامل اقتصادی، اجتماعی نقش مهمی داشته‌اند. دوره‌های رونق و رکود اقتصادی، تعیین‌کننده میزان‌های اشتغال و بیکاری‌اند. کاهش میزان اشتغال و افزایش میزان بیکاری در سال ۱۳۶۵ را می‌توان پیامد آثار زیانبار جنگ تحمیلی دانست. درحالی که علت افزایش بیکاری در سال ۱۳۸۵، گذشته از رکود اقتصادی، عرضه شتاب‌آلود نیروی‌کار در دهه ۸۵-۱۳۷۵ می‌باشد. این مطالعه تصریح می‌کند شتاب رشد نیروی‌کار ایران، ناشی از تغییر ساختار جمعیت است که خود تحت تأثیر تغییر سطح و روند باروری، مرگ‌ومیر و مهاجرت بوده است.

ملاحظات نظری

مطالعات انجام شده در زمینه ارتباط بین نرخ بیکاری و نرخ فعالیت اقتصادی نشانگر نتایج متفاوتی در مورد تأیید یا رد فرضیه تغییرناپذیری بیکاری است. اما نیاز است برای آزمون این فرضیه، ابتدا مفهوم آن بیان شود. این فرضیه بیان می‌کند که نرخ بیکاری در بلندمدت مستقل از اندازه نیروی کار، ذخیره سرمایه و بهره‌وری نیروی کار خواهد بود (لیارد^۱ و دیگران، ۱۹۹۱). به منظور آزمون این نظریه، اوسترهولم^۲ (۲۰۱۰) به بررسی ارتباط بین نرخ بیکاری و نرخ فعالیت اقتصادی در سوئد پرداخت. وی ارتباط محکمی بین این دو متغیر در بلندمدت یافت که منجر به تشکیک در شواهد تجربی در زمینه فرضیه تغییرناپذیری نرخ بیکاری می‌شود. همچنین نتایج مشابهی توسط امرسون^۳ (۲۰۱۱) در ایالات متحده امریکا و لیو^۴ (۲۰۱۴) در ژاپن به دست آمد (به نقل از: دلیری، ۱۳۹۵).

مفهوم فرضیه تغییرناپذیری نرخ بیکاری در نمودار (۱) نمایش داده شده است. در این نمودار منحنی تقاضای کل نیروی کار LD ، منحنی دستمزد WS ، و منحنی عرضه نیروی کار LS نمایش داده شده است. تقاطع منحنی دستمزد WS_1 و منحنی تقاضای نیروی کار LD_1 نشانگر سطح اشتغال تعادلی اولیه E_1 و سطح دستمزد تعادلی W_1 می‌باشد. شکاف بین اشتغال و عرضه نیروی کار LS در سطح دستمزد تعادلی W_1 می‌تواند نشان‌دهنده نرخ بیکاری در سطح تعادل باشد، U در حالت وقوع تغییر مثبت در انباشت سرمایه و یا انتقال تکنولوژی، تقاضای نیروی کار را به سمت راست منتقل خواهد کرد. LD_2 در بلندمدت و براساس فرضیه تغییرناپذیری نرخ بیکاری، منحنی دستمزد به سمت بالا منتقل شده و بنابراین نرخ بیکاری بدون تغییر باقی خواهد ماند. به صورت مشابه، اگر منحنی عرضه نیروی کار، LS به دلیل رشد جمعیت به سمت بالا منتقل شود، منحنی دستمزد می‌تواند سرانجام به سمت بالا انتقال یابد و بنابراین نرخ بیکاری بدون هیچ تغییری باقی خواهند ماند (لیارد^۵ و دیگران، ۱۹۹۱؛ کاراناسو و اسنورا^۶، ۲۰۰۴).

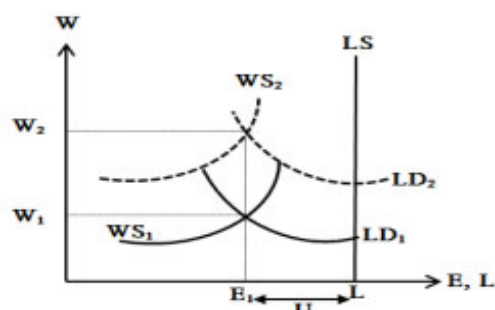
1 Layard

2 Osterholm

3 Emerson

4 Liu

1 Layard



نمودار ۱- فرضیه تغییرناپذیری نرخ بیکاری

منبع: دلیری، ۱۳۹۵

لیارد^۲ (۱۹۹۱) استدلال می‌کند که وقوع شوک پایدار در عرضه نیروی کار و یا انباشت سرمایه و در عامل بهره‌وری سبب خواهد شد تا تغییرات جبرانی در تقاضای نیروی کار، منحنی دستمزد (یا عرضه نیروی کار) رخ داده و در نتیجه سبب شود تا نرخ بیکاری در نقطه تعادلی بلندمدت خود ثابت باقی بماند. بنابراین از نظر سیاست‌گذاری، سیاست‌هایی که حجم نیروی کار را کاهش می‌دهد و یا انباشت سرمایه را تحریک می‌کند، هیچ تاثیری بر نرخ بیکاری بلندمدت نخواهند داشت. فرضیه تغییرناپذیری نیروی کار به صورت تجربی در کارهای راسورن^۳ (۱۹۹۹) نیز تایید شده است. کاراناسو و اسنور^۴ (۲۰۰۴) استدلال می‌کنند که فرضیه تغییرناپذیری بیکاری دلالت بر آن دارد که روند نرخ بیکاری در بلندمدت به صورت کامل توسط مکانیزم تعادلی در بازار کار ایجاد می‌شود. آن‌ها نشان می‌دهند که نه تنها در بازار کار، بلکه در تمامی بازارها برهمکنش‌های این چنینی، سبب خلق مکانیزم تعادلی خواهد شد. بنابراین برای سیاست‌گذاری پیشنهاد می‌کنند که افزایش در مسیر رشد سرمایه و یا جمعیت نیروی کار موثر، ممکن است بر نرخ بیکاری بلندمدت تاثیر داشته باشد. نکته مهم در فرضیه تغییرناپذیری نرخ بیکاری آن است که نرخ بیکاری بلندمدت با عرضه نیروی کار و یا انباشت سرمایه تعیین نمی‌شود. بنابراین با تغییرات در انباشت سرمایه یا تحقیق و توسعه و یا با

2 Karanassou & Snower

3 Layard

4 Rowthorn

5 Karanassou & Snower

سیاست‌هایی که موجب کاهش اندازه جمعیت شاغل می‌شود، نمی‌توان بیکاری بلندمدت را کاهش داد (کاناپاسی و باهاروم^۱، ۲۰۱۳، به نقل از دلیری ۱۳۹۵ و ۱۳۹۸).

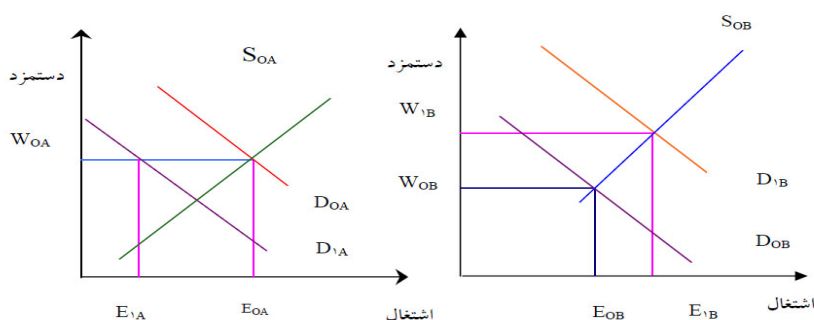
یکی از عناصر تحلیلی توسعه منطقه‌ای در مباحث اقتصاد منطقه‌ای، پدیده تفاوت‌های منطقه‌ای محسوب می‌شود. در اقتصاد فضایی، ماهیت پدیده‌های منطقه‌ای را می‌توان در حوزه تقابل‌های فضایی مطرح کرد و تحلیل در حوزه دوم براساس تفاوت‌های منطقه‌ای انجام می‌شود. از آنجایی که توزیع منابع توسعه (شامل منابع مالی، منابع انسانی، خصوصیات اقلیمی، جمعیت پایه، دسترسی به مواد اولیه تولید، ساختار تولید، شبکه‌های ارتباطی و غیره) میان مناطق مختلف، یکسان نیست، نمی‌توان انتظار داشت که میزان رشد اقتصادی در همه اجزای ساختار فضایی یک کشور برابر باشد. در نتیجه، بنیان تحلیل، براساس تفاوت میان مناطق (مانند تفاوت‌های بین‌استانی)، که به وضعیت توزیع برابر و موقعیت تعادل منطقه‌ای و سازگاری نظام فضایی فعالیت‌ها تبدیل خواهد شد. نظریه دوگانگی اقتصادی، نظریه قطبی شدن و نظریه همگرایی منطقه‌ای، مهم‌ترین نظریه‌هایی هستند که تأثیر تفاوت‌های منطقه‌ای را در تحلیل توسعه ملی و منطقه‌ای نشان می‌دهند. در زمینه نظریه قطبی شدن، پرو با بیان اینکه توسعه ملی در فرآیند حرکت خود، موجب قطبی شدن فعالیت‌ها می‌شود، وجود تفاوت بخش‌های مختلف را در فرآیند توسعه نشان داده است که با استدلال مشابهی، می‌توان مفهوم قطبی شدن مناطق را در فرآیند توسعه مورد توجه قرار داد (به نقل از ازوجی، ۱۳۹۰). تفاوت‌های منطقه‌ای، بحث همگرایی یا واگرایی تفاوت‌ها را به وجود می‌آورد و در نظریه همگرایی منطقه‌ای، تلاش می‌شود که نحوه همگرایی یا واگرایی تفاوت‌های منطقه‌ای در فرآیند توسعه تبیین گردد. دلایل و آثار تفاوت‌های منطقه‌ای، به چارچوب‌های تحلیلی هدفمند و سازگار برای تحلیل تعادل‌های فضایی نیاز دارد (ازوجی، ۱۳۹۰).

تحلیل بازار کار منطقه‌ای ترکیبی از مدل اقتصادی- جمعیتی است. عامل مهاجرت سطوح جمعیت را تغییر می‌دهد و سطح جمعیت به همراه نرخ فعالیت نیروی کار، عرضه نیروی کار را تعیین می‌نماید. دگرذیسی جمعیت همچنین روی تقاضا برای کالاها و خدمات

در منطقه موثر بوده که نتیجه آن تغییر تقاضای نیروی کار است. مجموعه طرف عرضه و تقاضای نیروی کار نیز سطح دستمزد، بیکاری و سطح اشتغال را تعیین می‌نماید که این فعل و انفعالات نیز به نوبه خود روی مهاجرت موثر است. عرضه نیروی کار نشان‌دهنده تعداد افرادی است که در دستمزدهای متعارف وارد بازار کار می‌شوند. براساس مبانی نظری، عرضه نیروی کار، با توجه به تابع مطلوبیت فرد نسبت به انواع محدودیت‌های بودجه‌ای و غیربودجه‌ای به دست می‌آید. محدودیت‌های بودجه‌ای به طور معمول دربرگیرنده درآمد ناشی از کار و درآمد غیرکار، قیمت‌های کالا و نرخ مخارج خانوار است و محدودیت‌های غیربودجه‌ای، زمان خانوار و تکنیک تولید خانوار را دربرمی‌گیرد. با حداکثر کردن مطلوبیت، با توجه به محدودیت‌های بودجه‌ای و غیربودجه‌ای، تابع عرضه نیروی کار استخراج می‌گردد که عرضه نیروی کار تابعی از دستمزد، درآمد غیرکاری، سن، جنس، نرخ تحصیلات و ... می‌باشد (McCormick 1997، به نقل از: ازوجی، ۱۳۹۰). به استناد مطالعه ازوجی (۱۳۹۰) شاخص نابرابری منطقه‌ای نرخ بیکاری نشان می‌دهد که این نابرابری‌ها همواره وجود دارند و روند آن به طور نسبی، کاهش یافته است و عدم کاهش حداکثر و حداقل نرخ بیکاری میان استان‌ها و عدم تغییرات نتایج سنجش‌های نابرابری منطقه‌ای، مؤید این موضوع است.

مطالعه امینی (۱۳۸۲) و پژویان و امینی (۱۳۸۰) نشان می‌دهد که بیکاری ساختاری می‌تواند به دلیل تغییر الگوهای تقاضای عامل کار که در مواجهه با دستمزدهای چسبنده و هزینه‌های بالای تحرک شغلی و جغرافیایی اتفاق می‌افتد، افزایش یابد (نمودار ۲). یکی از سیاست‌های موجود این است که باید سطح بیکاری ساختاری را با ثبات سایر عامل‌ها کاهش دهد. برقراری یارانه بر آموزش، تهیه و تدارک اطلاعات درباره فرصت‌های شغلی موجود در سایر مناطق، برقراری مقرری‌های جابه‌جایی مکانی به منظور جبران بخشی از هزینه‌های مهاجرت، افزایش سرعت فرآیند استخدام و کاهش هزینه‌های مربوط و حمایت دولت از سرمایه‌گذاران در مناطق دارای نرخ بیکاری بالا، قابل توجه است. در بسیاری از کشورهای اروپایی، مؤسسه‌های بازار کار و سیاست‌های اجتماعی دیگری وجود دارند که از یک طرف از مهاجرت‌های بین منطقه‌ای جلوگیری می‌کنند و از طرف دیگر، مانع کاهش دستمزدهای حقیقی می‌شوند. در چنین شرایطی، میزان عدم انطباق میان شغل و مهارت نیروی کار بین مناطق افزایش، و نرخ ایجاد فرصت‌های شغلی جدید توسط کارفرمایان

کاهش می‌یابد.



نمودار ۲- سطوح اشتغال و دستمزدهای تعادلی در دو بازار A و B

منبع: امینی (۱۳۸۲)، پژویان و امینی (۱۳۸۰)

براساس شواهد نظری و پیشینه تجربی تحقیق، نرخ فعالیت اقتصادی (a) تابعی از:

میانگین دستمزد نیروی کار (W)

نرخ بیکاری (U) (نسبت تعداد جمعیت بیکاران به جمعیت فعال در هر استان)

نرخ خالص مهاجرت استانی (M) (نسبت حاصل از تقسیم تفاضل تعداد جمعیت وارد

شده از خارج شده‌ها بر جمعیت میانه هر استان)

سهم جمعیت ۱۵-۶۴ ساله به کل جمعیت (P₁₅₋₆₄)

نرخ پوشش تحصیلی (میانگین سال‌های تحصیل) (MYS)

شاخص توسعه انسانی استان‌ها (HDI)

در این مطالعه تلاش شد از عوامل فوق، متغیرهای نرخ بیکاری و شاخص توسعه انسانی

مورد سنجش قرار گیرد. با توجه به این‌که شاخص توسعه انسانی، ترکیبی از سه شاخص

درآمد، آموزش و سلامت است، متغیر میانگین سال‌های تحصیلی به دلیل هم خطی بودن از

مدل حذف شد.

$$a = f(W_i, U_i, M_i, P_{15-64}, MYS_i, HDI, \dots)$$

روش و داده‌های تحقیق

با توجه به این‌که، هدف از اجرای این تحقیق، شناخت وضع گذشته و موجود نرخ‌های فعالیت اقتصادی، اشتغال و بیکاری برحسب جنس در سطح استان‌های مختلف کشور در ۳۰ سال اخیر است، این مطالعه به روش تحلیل اکتشافی انجام و از داده‌های ثانویه بهره گرفته است. از آنجا که هدف این مطالعه متمرکز بر بررسی سطح و روند مؤلفه‌های بازارکار در سرشماری‌های عمومی و در سطح کلان بود، از نتایج آمارگیری نیروی‌کار برای تحلیل استفاده نشد. هرچند که در مطالعات بازارکار و جمعیت‌شناختی به‌ویژه در بررسی‌های پانلی، در سطح خرد و خانوار اهمیت بسزایی دارد.

این بررسی تلاش کرد با استفاده از نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن در فاصله زمانی ۱۳۹۵-۱۳۶۵ که توسط مرکز آمار ایران بدست داده شده، به بررسی سطح و روند فعالیت اقتصادی، اشتغال و بیکاری جمعیت در سطح استان‌های کشور به تفکیک جنس پردازد. تجزیه و تحلیل نیز اطلاعات در سه بخش صورت گرفته است. در بخش اول، به توصیف شاخص‌های فعالیت اقتصادی، اشتغال و بیکاری جمعیت به تفکیک جنس در سطح کل و استان‌های مختلف کشور پرداخته شده است. در بخش دوم برای اندازه‌گیری میزان ارتباط نرخ فعالیت اقتصادی (متغیر وابسته) با نرخ بیکاری و شاخص توسعه انسانی (متغیرهای مستقل) در سال ۱۳۹۵، از تحلیل همبستگی و مدل رگرسیونی خطی استفاده کردیم. در بخش سوم، برای اندازه‌گیری تغییرات درصد جمعیت فعال از نظر اقتصادی بر مبنای ترکیب جنسی جمعیت سال ۱۳۹۵ در سال‌های ۹۰-۱۳۶۵، از تکنیک غیرمستقیم استانداردسازی نرخ فعالیت اقتصادی براساس ترکیب جنسی جمعیت در استان‌های منتخب (گیلان و لرستان) بهره گرفته‌ایم. ملاک انتخاب آن‌ها نیز براساس دامنه تغییرات نرخ‌های فعالیت اقتصادی و بیکاری بین دو جنس بوده است.

در ادبیات اقتصاد، اشتغال و بیکاری برون‌دادهای بازارکار هستند؛ بنابراین تحلیل آن‌ها نیازمند بررسی طرف عرضه بازار کار، طرف تقاضای بازار کار و سیاست‌ها و مداخلات دولت در بازارکار است. طرف عرضه نیروی کار بیشتر به صورت بخش برونزای بازارکار عمل می‌کند و تحت تأثیر مستقیم پارامترهای جمعیتی مانند سهم جمعیت فعال، نرخ مشارکت (نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت ۱۰ساله و بیشتر)، نرخ پوشش تحصیلی و

نرخ مهاجرت نیروی کار است. در مقابل، طرف تقاضای نیروی کار کاملاً مبنای اقتصادی داشته و اغلب مباحث کلاسیک-کینزی در مورد راه حل‌های بیکاری و اشتغال به آن معطوف بوده است. مباحث تئوریک نشان می‌دهد سطح و الگوی مشارکت نیروی کار به فرصت‌های اشتغال و تقاضای درآمد وابسته است که ممکن است از یک طبقه افراد به طبقات دیگر متفاوت باشد (امینی، ۱۳۹۴؛ مشیری، طایی و پاشازاده، ۱۳۹۴).

یافته‌ها

۱- نرخ فعالیت اقتصادی در سطح استان‌ها: تفاوت‌ها و مشابهت‌ها

نرخ فعالیت اقتصادی شاخصی از اندازه نسبی عرضه قابل دسترس کار را برای تولید کالاها و خدمات تهیه می‌کند و در مطالعه عواملی که اندازه و ترکیب منابع انسانی- اقتصادی و ساخت طرح عرضه کار برای آینده را نشان می‌دهد، نقش محوری دارد. جدول ۱ نرخ فعالیت اقتصادی جمعیت در استان‌های مختلف کشور را به تفکیک جنس در فاصله سرشماری ۱۳۶۵-۱۳۹۵ نشان می‌دهد. همان‌طوری که ملاحظه می‌شود تفاوت نرخ فعالیت اقتصادی در استان‌های مختلف کشور در این دوره چشم‌گیر است. به دلیل پایین بودن نرخ فعالیت اقتصادی زنان در بازار کار کشور در مقایسه با سایر کشورها، تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین دو جنس مشاهده می‌شود. البته این مسأله تابع عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده و پیامدهایی را به دنبال داشته است. در اقتصاد ایران این نرخ تحت تأثیر عوامل اقتصادی نظیر رشد و توسعه اقتصادی، توسعه انسانی، نرخ ثبت نام زنان در مقاطع مختلف تحصیلی، هزینه‌های زندگی و تورم است.

جدول ۱: نرخ فعالیت اقتصادی در استان‌های مختلف کشور به تفکیک جنس در فاصله

سرشماری‌های ۱۳۶۵-۱۳۹۵

۱۳۹۵		۱۳۹۰		۱۳۸۵		۱۳۷۵		۱۳۶۵		نام استان
مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
۶۶/۷	۱۵/۵	۶۴/۷	۱۴/۴	۶۹/۶	۲۶/۸	۶۴/۷	۱۰/۴	۶۹/۴	۶/۲	آذربایجان شرقی
۶۷/۱	۱۴/۵	۶۷/۸	۱۶/۴	۶۵/۵	۱۷/۵	۶۶/۶	۸/۸	۷۱/۸	۶/۳	آذربایجان غربی
۶۸/۱	۱۹/۹	۶۵/۹	۱۸/۳	۶۳/۸	۲۳/۶	۶۲/۱	۷/۹	۵۸/۲	۳/۶	اردبیل
۶۴/۵	۱۶/۱	۶۴/۳	۱۴/۳	۶۶	۱۹/۱	۶۱/۲	۱۰/۹	۶۸/۵	۸/۱	اصفهان

۲۹۰ نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال شانزدهم، شماره سی و دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

۱۳۹۵		۱۳۹۰		۱۳۸۵		۱۳۷۵		۱۳۶۵		نام استان
مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
۶۳	۱۱/۷	۶۳/۲	۱۱/۷	۶۲/۱	۱۲/۴	۶۱	۴/۵	۶۵	۶/۸	البرز
۵۷/۶	۱۵/۱	۵۶/۸	۱۶/۱	۵۷	۱۸/۲	۵۵/۱	۷/۸	۶۴/۵	۴	ایلام
۶۲/۵	۱۱/۷	۵۸/۵	۱۰/۳	۶۱/۶	۱۰/۷	۵۶/۷	۴/۶	۶۴/۱	۴	بوشهر
۶۴/۹	۱۵	۵۹/۴	۱۱	۶۶/۶	۱۳/۵	۶۰	۷/۳	۶۷	۷/۹	تهران
۶۲/۶	۱۶	۶۲/۵	۱۰/۵	۶۱/۴	۱۲	۵۷/۶	۱۴/۹	۶۴	۴/۹	چهارمحال و بختیاری
۵۷/۵	۱۸/۹	۵۸/۷	۱۸/۲	۶۰/۴	۲۹/۸	۶۱/۶	۶/۵	۶۵/۴	۸	خراسان جنوبی
۶۷/۳	۱۷/۴	۶۰/۳	۱۳/۱	۶۴/۱	۱۶/۹	۶۲/۴	۱۲/۲	۷۰/۷	۱۰/۲	خراسان رضوی
۶۴/۹	۲۱/۹	۶۰/۶	۱۶/۷	۵۶/۲	۱۴/۸	۵۴/۹	۱۲/۹	۶۱/۴	۹/۶	خراسان شمالی
۶۳/۳	۱۴/۴	۵۷/۳	۹/۴	۶۱/۴	۱۰/۷	۶۱/۳	۵/۲	۶۵/۵	۴/۸	خوزستان
۶۶/۵	۱۵/۶	۶۵/۸	۱۸	۶۶/۹	۲۵/۷	۶۳/۱	۷	۶۹/۹	۴/۵	زنجان
۶۴/۲	۱۴/۷	۵۷/۳	۱۰/۱	۶۳/۱	۱۰/۱	۵۹/۹	۸/۲	۶۷/۵	۶/۸	سمنان
۵۱/۶	۱۱/۴	۴۵/۸	۶/۳	۵۴/۷	۲۱/۴	۵۴	۴/۸	۶۸/۸	۵/۷	سیستان و بلوچستان
۶۴/۸	۱۴/۵	۶۰/۶	۱۴/۳	۶۲/۲	۱۳/۴	۵۹	۹/۵	۶۷/۷	۷	فارس
۶۴/۹	۱۲/۸	۶۵/۴	۱۴/۳	۶۲/۷	۱۲/۶	۶۴/۳	۱۰/۹	۶۴/۴	۵/۵	قزوین
۵۹/۶	۱۱/۳	۵۸/۸	۹/۱	۶۱	۸/۸	۵۷	۶/۵	۵۵/۸	۳/۸	قم
۷۱	۱۳/۷	۶۶/۸	۱۴/۳	۶۴	۱۴/۴	۶۵	۸/۱	۷۳/۳	۳/۹	کردستان
۶۰/۸	۱۵/۱	۵۸/۵	۱۰	۶۱/۹	۲۰/۶	۵۷/۲	۹/۲	۶۷/۴	۱۰/۷	کرمان
۶۳/۳	۱۴/۷	۵۶/۸	۹/۴	۵۸/۲	۱۳/۵	۶۱/۶	۸/۸	۶۶/۶	۵/۱	کرمانشاه
۵۹	۱۸/۴	۵۲/۶	۷	۵۳/۹	۱۳/۹	۵۴	۷	۶۴/۸	۵/۱	کهگیلویه و بویراحمد
۶۲/۹	۱۴/۶	۶۰/۶	۱۶/۹	۶۳/۵	۲۱/۷	۶۲/۲	۱۱/۹	۶۱/۴	۹/۶	گلستان
۶۴/۱	۱۸	۶۰/۸	۱۷	۶۳/۸	۲۲/۳	۶۳/۷	۱۸/۷	۷۱/۲	۲۷/۵	گیلان
۵۹/۴	۱۰/۶	۶۰/۲	۱۳/۷	۶۲	۱۷	۵۸/۶	۶/۲	۶۵/۵	۴/۴	لرستان
۶۶/۱	۱۵/۸	۶۳/۵	۱۳/۸	۶۶	۱۳/۳	۶۱/۳	۱۰/۵	۶۷/۸	۱۰/۸	مازندران
۶۳/۹	۷	۶۳/۱	۱۰/۴	۶۵/۳	۱۲/۵	۶۲/۳	۹/۷	۶۷/۳	۵/۳	مرکزی
۶۱/۲	۱۶/۵	۵۶	۹/۱	۵۴/۹	۸/۵	۵۴/۳	۴/۹	۶۴/۵	۴/۵	هرمزگان
۶۵/۷	۱۲/۳	۶۴/۳	۱۲/۴	۶۵/۸	۱۷/۷	۶۳/۸	۷/۱	۷۰/۵	۴/۶	همدان
۶۳/۵	۱۷/۲	۵۸/۳	۱۱/۲	۶۶/۷	۲۰/۳	۶۰/۳	۱۶/۶	۷۰/۹	۱۱/۹	یزد
۶۴/۱	۱۴/۹	۶۰/۷	۱۲/۶	۶۵/۶	۱۲/۴	۶۰/۸	۹/۱	۶۸/۳	۸	کل کشور

منبع: محاسبات نویسنده بر مبنای نتایج سرشماری مرکز آمار ایران (۱۳۶۵-۱۳۹۵)

بالاترین نرخ فعالیت زنان در بازارکار در سال ۱۳۶۵ مربوط به استان گیلان (۲۷/۵ درصد) و سپس به استان‌های یزد و مازندران به ترتیب با (۱۱/۹ و ۱۰/۸ درصد) اختصاص دارد که بالاتر از متوسط کشوری (۸ درصد) است. این روند تا سال ۱۳۷۵ ادامه داشته است. در سال‌های ۱۳۸۵ به بعد، بیشترین نرخ فعالیت زنان در بازار کار در استان‌های خراسان جنوبی، آذربایجان شرقی و زنجان تجربه شده است. به عبارتی، این استان‌ها از نظر سیاست‌های اشتغال‌زایی عملکرد موفق‌تری در حوزه ایجاد فرصت‌های شغلی برای زنان نسبت به سایر استان‌ها داشته‌اند. این استان‌ها در زمره استان‌هایی بوده‌اند که تجربه مهاجرفرستی را داشته‌اند. البته تنها عامل نبوده و درکنار سیاست‌های دولتی، عوامل توسعه‌ای نیز تأثیرگذار بوده‌اند. براساس یافته‌های تحقیق، شتاب نرخ فعالیت زنان در بازار کار استان خراسان شمالی در سال ۱۳۹۵ (با ۲۱/۹ درصد) نسبت به سال‌های سرشماری قبلی، تأکیدی بر این مسأله است.

نتایج نشان می‌دهد که نرخ فعالیت زنان در کشور در یک دوره سی ساله حدود دو برابر شده است. در صورتی که ساختار نهادی بازار کار در سطح استان‌های مختلف به لحاظ جنسیتی تغییر کند، سود جمعیتی زنان به‌طور قابل توجهی افزایش خواهد یافت. شاید تعبیر پنجره جمعیتی اشتغال برای این تبیین این موضوع مناسب‌تر باشد. آنچه که برآیند تغییرات نرخ فعالیت اقتصادی در سطح کشور نشان می‌دهد این است که تقاضای نیروی کار زنان به اندازه‌ای نبوده است که بتواند از ظرفیت ایجاد شده زنان در اقتصاد کشور به‌خصوص در سطح استان‌های مختلف آن‌که دارای سطح توسعه‌ای متفاوت هستند، استفاده شود. این ناشی از عدم تعادل‌های منطقه‌ای در حوزه ساختار اقتصادی است. در این میان، نقش قوانین حمایت‌کننده اشتغال زنان می‌تواند مهم باشد. نتایج مطالعات تجربی نشان می‌دهد که به‌رغم توجه ویژه‌ای که دولت‌های مختلف در ایران به موضوع اشتغال داشته‌اند ولی اشتغال مردان و زنان در اقتصاد ایران در خلال زمان با نوسانات و بی‌ثباتی نیز مواجه بوده است (مهینی‌زاده و جعفرزاده، ۱۳۹۵؛ محمودیان، ۱۳۸۲).

۲- نرخ بیکاری در سطح استان‌ها: تفاوت‌ها و مشابهت‌ها

جدول ۲ تغییرات نرخ بیکاری جمعیت در استان‌های مختلف کشور را به تفکیک جنس در سرشماری ۱۳۹۵-۱۳۶۵ نشان می‌دهد. همان‌طوری که ملاحظه می‌شود تفاوت نرخ بیکاری در استان‌های مختلف کشور در این دوره چشم‌گیرتر است. تأمل در محاسبات انجام شده نشان می‌دهد که به‌رغم فراز و نشیب‌های نرخ‌ها در سال‌های مختلف، همواره شاهد نرخ‌های بالای بیکاری در بین زنان بوده‌ایم. مطالعه نرخ بیکاری در استان‌های کشور در سال ۱۳۶۵ نشان می‌دهد که پایین‌ترین درصد بیکاری در بین زنان مربوط به استان‌های یزد (۱۰/۴ درصد) و خراسان رضوی (۱۳/۲ درصد) و بالاترین درصد بیکاری با بیش از ۴۰ درصد متعلق به استان‌های لرستان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان می‌باشد. هرچند تفاوت نرخ بیکاری زنان در سال‌های بعد تا حدودی تعدیل شده اما در سطح بالایی است. از سال ۱۳۷۵ استان کهگیلویه و بویراحمد تا سال ۱۳۹۰ بالاترین نرخ بیکاری را در بین زنان در مقایسه با مردان داشته است. اگر نگاه تحلیلی به موضوع داشته باشیم باید گفت از عوامل پایین بودن میزان فعالیت اقتصادی زنان، کمبود تقاضا برای نیروی کار در کشور است. در دسترس بودن تعداد زیادی از مردان بیکار یا کم‌کار برای هر فرصت شغلی زمینه را برای اشتغال زنان محدود کرده است.

در کشورهای کمتر توسعه‌یافته و در شرایط رکود اقتصادی که رشد سرمایه‌گذاری و تولید با موانع ساختاری متعددی مواجه است. افراد بیکار برای پیدا کردن کار کمتر از طریق اقدام مشخصی نظیر مراجعه به مراکز کاریابی در جستجوی کار هستند و بیشتر به‌صورت سنتی، از طریق دوستان، فامیل و آشنایان در جستجوی کار می‌باشند و پیگیری در مدت زمان معین در این روش معمولاً ضعیف‌تر است. بنابراین بخشی از افراد بیکار در این کشورها به‌راحتی از جمعیت فعال خارج می‌شوند. پس می‌توان گفت مساله بیکاری زنان و کاهش نرخ فعالیت اقتصادی آن‌ها در بازارکار کشور، ساختاری- توسعه‌ای بوده و وجود نابرابری جنسیتی، تبعیض و تفاوت زیاد بین مناطق و استان‌های کشور می‌تواند پیامدهای اجتماعی را به‌همراه داشته باشد. علیرغم این‌که تلاش‌های خوبی در این زمینه انجام شده و شاخص بیکاری در اکثر استان‌ها تعدیل شده، اما لازم است سیاستگذاران در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت خود این امر مهم را

مد نظر قرار دهند.

جدول ۲: تغییرات نرخ بیکاری جمعیت به تفکیک جنس در استان‌های مختلف کشور در

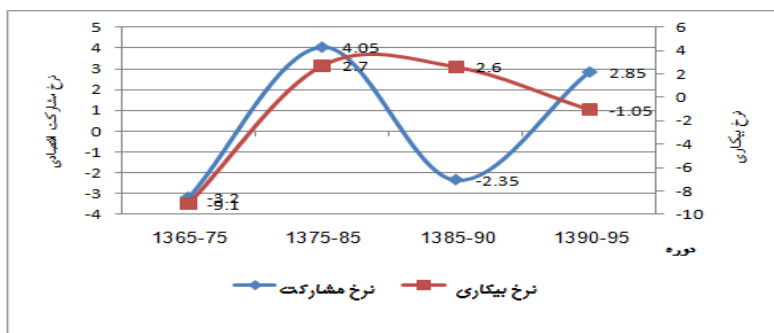
فاصله سال‌های سرشماری ۱۳۶۵-۱۳۹۵

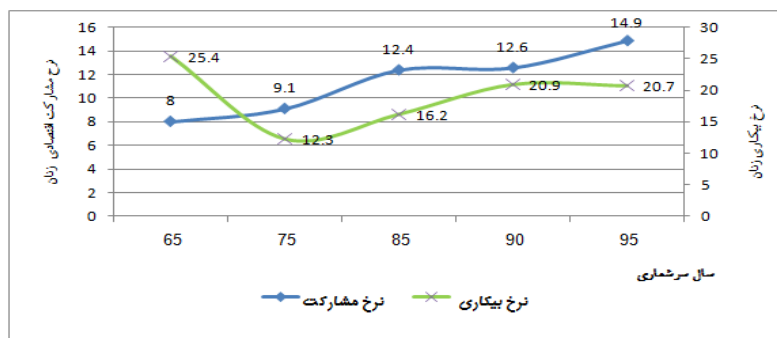
۱۳۹۵		۱۳۹۰		۱۳۸۵		۱۳۷۵		۱۳۶۵		نام استان
مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
۷/۸	۱۵	۸	۱۲/۱	۵/۳	۵/۴	۵/۷	۸/۹	۱۲	۲۵/۱	آذربایجان شرقی
۱۱/۷	۸/۲	۱۳	۱۲/۹	۱۰/۸	۷/۳	۸/۵	۱۶/۲	۱۱/۲	۳۲/۶	آذربایجان غربی
۱۱/۴	۱۶/۶	۱۲/۵	۱۳/۵	۱۱/۱	۱۱/۴	۹/۷	۱۷	۱۵/۷	۳۵/۷	اردبیل
۹/۲	۲۳/۱	۱۰/۸	۲۴/۱	۹/۶	۱۶	۶/۴	۸/۳	۹/۹	۱۶/۹	اصفهان
۸/۲	۲۷/۲	۱۶/۳	۳۶/۴	۱۳/۱	۱۷	۷/۳	۱۰/۶	۱۰	۲۳/۱	البرز
۱۰/۹	۲۲	۱۲/۶	۲۷/۵	۱۲	۱۸/۸	۱۴/۷	۲۹/۴	۱۸/۶	۲۶/۹	ایلام
۸/۶	۱۶/۶	۱۰/۷	۱۲/۶	۹/۸	۱۴/۵	۷/۵	۶	۱۸/۱	۲۵/۴	بوشهر
۷/۶	۲۲/۲	۹/۶	۲۱	۱۰/۹	۲۴	۵/۹	۶/۹	۱۲/۴	۲۶/۴	تهران
۹	۲۵/۲	۱۲/۱	۲۰/۴	۱۱/۷	۱۶/۴	۸/۴	۵/۳	۱۳/۹	۳۰/۸	چهارمحال و بختیاری
۷/۲	۲۰/۵	۶/۶	۱۴/۱	۹/۶	۱۴/۹	۱۱/۴	۱۵/۷	۷/۶	۱۵/۱	خراسان جنوبی
۷	۲۲	۸/۳	۱۲/۹	۷/۷	۱۲/۲	۹/۵	۲۲/۲	۵/۷	۱۳/۲	خراسان رضوی
۱۰/۸	۹/۵	۱۱	۱۵/۷	۵/۲	۱۳/۸	۱۱/۲	۱۵/۱	۷/۴	۱۴/۸	خراسان شمالی
۱۰/۳	۲۲/۸	۹/۱	۱۹/۴	۱۱/۱	۲۳/۱	۸/۵	۱۶/۴	۲۱/۱	۳۶/۳	خوزستان
۸/۷	۱۱/۳	۷/۵	۱۱/۴	۱۰/۶	۱۴/۷	۶/۲	۹/۸	۹/۳	۲۴	زنجان
۵/۵	۱۵/۸	۸/۸	۱۹/۲	۹	۲۰/۶	۴/۵	۷	۹/۳	۲۵/۶	سمنان
۱۱/۵	۱۸/۷	۱۰/۳	۷/۶	۱۲	۸	۷/۸	۲۲/۴	۱۸/۷	۴۷/۷	سیستان و بلوچستان
۱۰/۴	۲۲/۳	۱۴/۴	۳۵/۵	۱۲/۳	۲۰/۶	۱۴/۴	۳۶/۲	۹/۵	۱۵/۶	فارس
۸/۲	۱۲/۲	۱۱/۱	۱۸/۳	۹/۸	۱۲/۵	۵/۲	۶/۲	۱۱/۷	۲۵/۷	قزوین
۶/۵	۱۹/۵	۷/۲	۲۷/۷	۱۰/۸	۱۳/۶	۵/۹	۴/۲	۹/۸	۲۱/۲	قم
۱۲/۹	۲۵/۸	۱۳/۲	۱۷/۶	۱۰/۸	۱۰/۲	۹/۲	۷/۵	۱۵/۹	۳۳	کردستان
۴/۵	۲۸/۲	۹/۲	۲۹/۵	۱۰	۲۴/۳	۶/۹	۱۸/۵	۱۱/۸	۳۱/۸	کرمان
۱۲/۶	۲۳/۹	۱۴/۵	۲۲/۹	۱۵/۲	۲۲/۵	۱۶/۹	۳۰/۱	۱۹/۶	۴۲/۳	کرمانشاه
۱۳/۷	۲۰/۸	۱۰/۴	۴۲/۵	۱۳/۴	۲۴/۶	۱۱/۶	۳۹/۵	۱۴/۲	۳۹/۶	کهگیلویه و بویراحمد
۴	۲۴/۸	۵/۲	۲۰/۸	۷/۹	۱۲/۱	۱۰/۷	۱۲/۹	۱۱/۶	۱۷/۵	گلستان
۱۱/۳	۱۶/۶	۱۴/۵	۲۳/۹	۹/۱	۱۷/۹	۱۱/۹	۱۸/۵	۱۴/۶	۱۷/۸	گیلان

۱۳۹۵		۱۳۹۰		۱۳۸۵		۱۳۷۵		۱۳۶۵		نام استان
مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
۱۵/۷	۲۶/۲	۱۷/۳	۲۸	۱۴/۶	۲۳/۶	۱۶/۳	۳۹/۴	۱۷/۴	۵۸/۹	لرستان
۶/۶	۲۶/۴	۶/۸	۲۶/۵	۵/۷	۱۷/۲	۸/۵	۱۶/۴	۱۱/۴	۲۱/۰	مازندران
۷/۴	۱۴	۹/۶	۱۹/۷	۱۱/۱	۱۹/۸	۷/۲	۹/۶	۱۰/۶	۲۵/۲	مرکزی
۶/۲	۱۱/۸	۹/۸	۱۸/۴	۷/۶	۸/۴	۸/۳	۱۰/۹	۱۶/۵	۴۲/۵	هرمزگان
۷/۹	۱۳/۲	۱۱/۴	۱۷/۱	۱۳/۴	۱۴/۹	۸/۵	۱۲/۴	۱۱/۴	۲۹/۱	همدان
۴/۴	۲۷	۴/۵	۱۴/۴	۵/۹	۱۲/۷	۵/۴	۴/۴	۵/۸	۱۰/۴	یزد
۸/۶	۲۰/۷	۱۰/۵	۲۰/۹	۱۰	۱۶/۲	۸/۵	۱۳/۳	۱۲/۹	۲۵/۴	کل کشور

منبع: محاسبات نویسنده بر مبنای نتایج سرشماری مرکز آمار ایران (۱۳۶۵-۱۳۹۵)

برای این‌که بتوانیم تحولات نرخ بیکاری و نرخ مشارکت اقتصادی برای کل و زنان را در دوره زمانی ۱۳۶۵-۱۳۹۵ نشان دهیم، نماگر تغییرات شاخص‌های بازارکار ترسیم شد. در نمودار (۳) سمت چپ اختلاف نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ بیکاری برای کل کشور برحسب دوره زمانی بین دو سرشماری نشان داده شده است. در دوره ۷۵-۱۳۶۵ تفاوت نرخ مشارکت ۳/۲- کاهش یافته و در دوره مشابه ۸۵-۱۳۷۵، ۴/۰۵ افزایش داشته است. در دوره‌های بعدی نیز از ادامه همان روند قبلی تبعیت کرده است. تفاوت نرخ بیکاری نیز در دوره زمانی ۷۵-۱۳۶۵ و ۹۵-۱۳۹۰ کاهش و در دوره‌های ۸۵-۱۳۷۵ و ۹۰-۱۳۸۵ افزایشی بوده است. در سمت راست روند نرخ مشارکت اقتصادی زنان و نرخ بیکاری آن‌ها نشان داده شده است. به طوری‌که نرخ مشارکت اقتصادی زنان از ۸ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۱۴/۹ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده، در حالی‌که نرخ بیکاری زنان از ۲۵/۴ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۲۰/۷ کاهش پیدا کرده است.





نمودار ۳- نماگر تغییرات شاخص‌های بازار کار کشور به تفکیک کل و زنان در دوره زمانی

۱۳۶۵-۱۳۹۵

۳- شاخص توسعه انسانی به تفکیک استان‌ها: همگرایی‌ها و واگرایی‌ها

یکی از متغیرهای مستقل که بر نرخ فعالیت اقتصادی اثر دارد، شاخص توسعه انسانی است. توسعه انسانی یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی کشورها و مناطق است. جدول ۳ شاخص توسعه انسانی استان‌های مختلف کشور را طی سال‌های ۱۳۸۵-۹۵ نشان می‌دهد. براساس مطالعه افقه و همکاران (۱۳۹۹) شاخص توسعه انسانی در بین استان‌های مختلف کشور تغییرات قابل‌ملاحظه‌ای را تجربه کرده است. نتایج نشان می‌دهد که بیشترین و کمترین شاخص توسعه انسانی استان‌ها در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ به ترتیب برابر با ۰/۷۳۳، ۰/۷۵۱ و ۰/۷۶۹ برای استان تهران و ۰/۵۹۵، ۰/۵۳۹ و ۰/۶۳۱ برای استان سیستان و بلوچستان است. بعد از سیستان و بلوچستان استان‌های کردستان، خراسان شمالی، کهگیلویه و بویراحمد و لرستان پایین‌ترین شاخص توسعه انسانی را در بین استان‌های کشور دارند. متوسط توسعه انسانی استان‌ها در کشور در فاصله ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ رشدی معادل ۳ درصد داشته است در حالی که این رشد در فاصله ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۵ به ۰/۵ درصد کاهش یافته است.

جدول ۳: شاخص توسعه انسانی استان‌های مختلف کشور طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۵

نام استان	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
آذربایجان شرقی	۰/۶۹۸	۰/۷۰۶	۰/۷۰۱
آذربایجان غربی	۰/۶۴۱	۰/۶۸۰	۰/۶۷۰

۱۳۹۵	۱۳۹۰	۱۳۸۵	نام استان
۰/۷۰۰	۰/۶۹۷	۰/۶۷۰	اردبیل
۰/۷۳۶	۰/۷۳۱	۰/۷۱۲	اصفهان
۰/۷۴۲	۰/۷۰۲	۰/۷۰۰	البرز
۰/۶۷۶	۰/۶۷۰	۰/۶۴۰	ایلام
۰/۶۹۴	۰/۶۸۴	۰/۶۸۳	بوشهر
۰/۷۶۹	۰/۷۵۱	۰/۷۳۳	تهران
۰/۶۷۰	۰/۶۷۸	۰/۶۴۸	چهارمحال و بختیاری
۰/۶۷۸	۰/۶۸۰	۰/۶۴۷	خراسان جنوبی
۰/۶۹۴	۰/۶۹۶	۰/۶۵۸	خراسان رضوی
۰/۶۶۵	۰/۶۶۳	۰/۶۵۰	خراسان شمالی
۰/۶۹۳	۰/۶۹۱	۰/۶۶۱	خوزستان
۰/۶۹۶	۰/۷۰۸	۰/۶۸۸	زنجان
۰/۷۲۰	۰/۷۲۳	۰/۶۹۳	سمنان
۰/۶۳۱	۰/۵۳۹	۰/۵۹۵	سیستان و بلوچستان
۰/۷۱۷	۰/۷۰۸	۰/۶۹۲	فارس
۰/۷۱۸	۰/۷۲۰	۰/۶۹۱	قزوین
۰/۶۸۸	۰/۷۰۹	۰/۶۸۸	قم
۰/۶۵۷	۰/۶۵۵	۰/۶۲۴	کردستان
۰/۷۰۴	۰/۷۰۰	۰/۶۷۶	کرمان
۰/۶۸۶	۰/۶۷۱	۰/۶۳۹	کرمانشاه
۰/۶۵۶	۰/۶۶۴	۰/۶۳۰	کهگیلویه و بویراحمد
۰/۶۸۱	۰/۷۰۰	۰/۶۸۳	گلستان
۰/۶۹۳	۰/۷۱۰	۰/۶۹۶	گیلان
۰/۶۵۴	۰/۶۶۵	۰/۶۴۱	لرستان
۰/۷۲۱	۰/۷۲۰	۰/۷۰۰	مازندران
۰/۷۳۴	۰/۷۲۰	۰/۷۰۷	مرکزی
۰/۷۰۰	۰/۶۹۳	۰/۶۶۰	هرمزگان
۰/۶۹۴	۰/۷۰۱	۰/۶۸۱	همدان
۰/۷۴۲	۰/۷۳۱	۰/۷۰۴	یزد

۴- تحلیل چندمتغیره اثر نرخ بیکاری و شاخص توسعه انسانی بر نرخ فعالیت اقتصادی در جدول ۴ مدل رگرسیون چندمتغیره برای سنجش اثر نرخ بیکاری و شاخص توسعه انسانی بر نرخ فعالیت اقتصادی در بازارکار استان‌های مختلف کشور در سال ۱۳۹۵ مورد استفاده قرار گرفت. نتایج نشان داد با توجه به سطح معناداری بیش از ۹۹ درصد ($\text{Sig.} = 0.000$) به دست آمده، نرخ بیکاری مؤثر بوده است. اثر این متغیر در سطح ملی و در بلندمدت $0.7694-$ بدست داده شده که نشانگر اثر منفی و معکوس بر نرخ فعالیت اقتصادی است. متغیر توسعه انسانی زمانی که وارد مدل شد، با ضریب $0.511+$ تأثیر مستقیم و مثبت بر نرخ فعالیت اقتصادی را نشان داد و در سطح ۹۹ درصد معنادار بود ($\text{Sig.} = 0.003$). مقدار واریانس تبیین شده متغیر نرخ فعالیت اقتصادی توسط متغیرهای مستقل ۴۰ درصد به دست آمد. مابقی تغییرات متغیر وابسته، مربوط به سایر عوامل می‌باشد که در مدل نبودند. اثر توسعه‌یافتگی استان‌ها بر نرخ اشتغال زنان نیز بررسی شد که از نظر آماری معنادار نشد و از مدل حذف شد.

جدول ۴: ضرایب رگرسیونی روابط متغیرهای مستقل و نرخ فعالیت اقتصادی

متغیر	ضرایب غیراستاندارد B	ضرایب انحراف معیار	ضرایب استاندارد t	Sig
ضریب ثابت	-۱/۹۴۱	۱۰/۶۷	-۰/۱۸۲	۰/۸۵۷
نرخ بیکاری	-۰/۸۷۱	۰/۱۹	-۰/۶۹۴	۰/۰۰۰
شاخص توسعه انسانی	۴۴/۱	۱۳/۵۶	۰/۵۱۱	۰/۰۰۳

$$R^2 = 0.396, \text{Sig.} = 0.000$$

میزان همبستگی شاخص توسعه‌یافتگی و نرخ مشارکت اقتصادی زنان برابر با (0.093) شده که نشانگر رابطه ضعیف و از نظر آماری هم معنادار نبود ($\text{Sig.} = 0.617$). میزان همبستگی نرخ مشارکت اقتصادی مردان با توسعه انسانی رابطه مثبت و معنادار بدست آمده است. در توجیه این مسئله بایستی به عواملی نظیر پایین بودن نرخ مشارکت زنان، شکاف جنسیتی و عدم تعادل استانی و نیز عوامل ساختاری- نهادی و توسعه‌ای اشاره کرد. این

نتیجه با شواهد تجربی مطالعه در زمینه عدم تعادل‌های منطقه‌ای بازار کار همخوانی دارد (جدول ۵).

جدول ۵: تحلیل همبستگی متغیرهای توسعه انسانی و نرخ فعالیت اقتصادی مردان و زنان در سال ۱۳۹۵

		نرخ مشارکت اقتصادی مردان	نرخ مشارکت اقتصادی زنان
توسعه انسانی	همبستگی پیرسون	۰/۳۸۶	-۰/۰۹۳
	سطح معناداری	۰/۰۴۲	۰/۶۱۷
	تعداد	۳۱	۳۱

۵- سنجش تغییرات شاخص فعالیت بر مبنای ترکیب جنسی سال ۱۳۹۵ در سال‌های ۹۰-۱۳۶۵

جدول ۶ تغییرات درصد جمعیت فعال از نظر اقتصادی ایران را بر مبنای ترکیب جنسی سال ۱۳۹۵ در سال‌های ۹۰-۱۳۶۵ نشان می‌دهد. این شاخص در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ تغییرات نسبتاً محسوسی را در بین دو جنس نشان می‌دهد. در بین مردان درصد جمعیت فعال از نظر اقتصادی در سال ۱۳۶۵ از ۶۸/۴ درصد به ۶۹/۵ درصد و در سال ۱۳۷۵ نیز از ۶۰/۸ درصد به ۶۷/۴ درصد افزایش یافته است. در بین زنان نیز از ادامه همان روند قبلی تبعیت کرده و تنها در سال ۱۳۶۵ ثابت بوده است.

جدول ۶: تغییرات درصد جمعیت فعال کل کشور بر مبنای ترکیب جنسی سال ۱۳۹۵

طی سال‌های ۹۰-۱۳۶۵

سال					شاخص فعالیت اقتصادی / جنس	
۱۳۹۵	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵		
۶۴/۳	۶۴/۶	۶۵/۶	۶۰/۸	۶۸/۴	مرد	درصد جمعیت فعال از نظر اقتصادی
۱۳/۲	۱۱/۴	۱۲/۴	۹/۱	۸/۰	زن	
۳۹/۰	۳۸/۱	۳۹/۴	۳۵/۳	۳۸/۹	کل	
۶۴/۳	۶۵/۷	۶۵/۳	۶۷/۴	۶۹/۵	مرد	اثر ترکیب جنسی
۱۳/۲	۱۱/۷	۱۲/۲	۱۰/۰	۷/۹	زن	
۳۹/۰	۳۹/۰	۳۹/۰	۳۹/۰	۳۹/۰	کل	

جدول ۷ تغییرات درصد جمعیت فعال از نظر اقتصادی استان گیلان را بر مبنای ترکیب جنسی سال ۱۳۹۵ در سال‌های ۹۰-۱۳۶۵ نشان می‌دهد. این شاخص در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ تغییرات چشم‌گیری را در بین دو جنس نشان می‌دهد. در بین مردان، این تغییرات در سال ۱۳۶۵ نسبت به سایر سال‌ها برجسته و حاکی از روند کاهشی بوده و در بین زنان نیز از ادامه همان روند قبلی کل کشور تبعیت کرده است.

جدول ۷: تغییرات درصد جمعیت فعال استان گیلان بر مبنای ترکیب جنسی سال ۱۳۹۵

در سال‌های ۹۰-۱۳۶۵

سال					شاخص فعالیت اقتصادی / جنس	
۱۳۹۵	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵		
۶۴/۲	۶۷/۷	۶۶/۸	۶۳/۷	۷۱/۲	مرد	درصد جمعیت فعال از نظر اقتصادی
۱۴/۹	۱۴/۶	۱۶/۴	۱۸/۶	۲۷/۵	زن	
۳۹/۵	۴۰/۹	۴۱/۴	۴۰/۹	۴۹/۵	کل	
۶۴/۲	۶۴/۸	۶۳/۴	۶۰/۹	۵۷/۴	مرد	اثر ترکیب جنسی
۱۴/۹	۱۴/۳	۱۵/۷	۱۸/۲	۲۱/۷	زن	
۳۹/۵	۳۹/۵	۳۹/۵	۳۹/۵	۳۹/۵	کل	

این تغییرات در استان لرستان نیز همانند استان گیلان بوده و تفاوتی که مشاهده می‌شود این است که در بین مردان، این دگرذیسی در سال ۱۳۸۵ نسبت به سایر سال‌ها که تأثیر افزایشی داشته‌اند، اثر کاهشی دارد. در سال ۱۳۸۵، این اثر در بین زنان معکوس بوده و روند افزایشی را نشان می‌دهد به طوری که از ۱۶/۴ درصد به ۲۰/۳ درصد رسیده است (جدول ۸).

جدول ۸: تغییرات درصد جمعیت فعال استان لرستان بر مبنای ترکیب جنسی سال ۱۳۹۵

در سال‌های ۹۰-۱۳۶۵

سال					شاخص فعالیت اقتصادی / جنس	
۱۳۹۵	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵		
۶۳/۳	۶۴/۰	۶۵/۲	۵۸/۶	۶۵/۵	مرد	درصد جمعیت فعال از نظر اقتصادی
۱۲/۱	۱۱/۶	۱۶/۴	۶/۳	۴/۳	زن	
۳۷/۹	۳۷/۹	۳۶/۴	۳۲/۹	۳۵/۸	کل	
۶۳/۳	۶۳/۷	۵۵/۲	۶۸/۱	۷۰/۷	مرد	اثر ترکیب جنسی
۱۲/۱	۱۱/۷	۲۰/۳	۷/۲	۴/۵	زن	
۳۷/۹	۳۷/۹	۳۷/۹	۳۷/۹	۳۷/۹	کل	

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه تلاش کرد در امتداد تحقیقات قبلی انجام شده در زمینه تفاوت‌های استانی تحولات مؤلفه‌های بازارکار در ایران، با رویکردهای سیاستی و تکنیکی و با تأکید بر چالش‌های پیش روی مشارکت اقتصادی زنان در کشور پیش رود. نتایج مطالعات نشان داده است بیکاری از سه بعد متفاوت، حیات اقتصادی- اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ اول آنکه حجم چشمگیری از نیروی کار به‌عنوان یک منبع مولد اقتصادی بدون استفاده یا با بهره‌برداری ناکافی باقی می‌ماند، این گروه منبع بالقوه‌ای است که بایستی از آن‌ها استفاده گردد، عدم استفاده از آن‌ها کاهش نرخ رشد اقتصادی و سطح توسعه اقتصاد ملی را به‌همراه دارد. دوم آنکه بخش بزرگی از نیروی بالقوه کار، فاقد درآمد قابل اتکائی می‌شوند که تکافوی نیازهای‌شان را نماید. سوم، بسیاری از افراد به‌خاطر نداشتن فرصت‌های اشتغال دلسرد و مأیوس می‌شوند (معدلت، ۱۳۸۰).

به‌صورت کلی می‌توان گفت فرضیه تغییرناپذیری نرخ بیکاری در اقتصاد ایران مورد تأیید بوده و برای تغییرات گسترده در نرخ بیکاری کشور، باید به‌سمت مدیریت تقاضای نیروی کار با بهبود رشد انباشت سرمایه و تغییر در نیروی کار مؤثر رفت. سیاست‌های کمی مدیریت عرضه نیروی کار تنها به‌عنوان مسکن‌هایی کوتاه‌مدت عمل خواهند کرد و تأثیری بر نرخ

بیکاری بلندمدت نخواهند داشت. در سال‌های اخیر، بازار کار کشور تحت تاثیر مدیریت طرف عرضه نیروی کار قدم گذاشته و با افزایش جمعیت غیرفعال (به واسطه افزایش ظرفیت آموزش عالی، ناامیدی از یافتن شغل و افزایش زنان خانه‌دار) نرخ بیکاری را کنترل نموده است. اما با توجه به یافته‌های پژوهش، این راه‌کاری کوتاه‌مدت خواهد بود و جمعیت فعال بالقوه در بازار کار ایران در سال‌های آتی دوباره به حجم جمعیت فعال بالفعل اضافه شده و سبب افزایش نرخ بیکاری خواهند شد.

وجود الگوهای متفاوت، نشان می‌دهد در تبیین علل وضعیت موجود و برنامه‌ریزی‌های آتی برای کاهش شکاف جنسیتی در بازار کار کشور در جهت نیل به اهداف توسعه، توجه به زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی در کنار مؤلفه‌های اقتصادی ضروری است (فروتن و شجاعی، ۱۳۹۵). فراهم کردن زمینه‌های فعالیت بیشتر زنان در بازار کار، از طریق اصلاح نگرش‌های اجتماعی - فرهنگی در محیط‌های کسب و کار، موجبات افزایش فعالیت زنان در نیروی کار و تقویت سود جمعیتی را به همراه دارد.

با تلفیق نتایج بدست آمده نقش غیرقابل انکار دولت در اقتصاد ایران، سرمایه‌گذاری دولتی در صنایع و پروژه‌های کلان و مهم‌تر از آن، ایجاد شرایط مساعد برای ارتقاء فعالیت اقتصادی بخش خصوصی و جمعیت در استان‌هایی که نرخ بیکاری آن‌ها بالاست، برجسته است. بررسی علل کاهش نرخ اشتغال در استان‌های کم‌برخوردار و مرزی، مطالعه علل کاهش نرخ مشارکت نیروی کار در استان‌های کم‌برخوردار و مرزی، بررسی دلایل نابرابری نرخ‌های رشد اشتغال در استان‌های کشور و مطالعه دلایل نابرابری رشد جمعیت فعال در استان‌های کشور از جمله پیشنهادات تحقیقاتی این مطالعه در جهت شناسایی راهکارهای کاهش عدم تعادل‌های منطقه‌ای با رویکرد کاهش شکاف جنسیتی می‌باشد.

قدردانی و سپاسگزاری

این مقاله برگرفته شده از طرح پژوهشی مصوب شورای پژوهشی موسسه تحقیقات جمعیت کشور تحت عنوان "بررسی تحولات فعالیت، اشتغال و بیکاری برحسب جنس در استان‌های کشور (۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵)" است که مجری آن نویسنده این مقاله بوده و در سال ۱۴۰۰ انجام شده است. بر خود لازم می‌دانم از اعضاء محترم شورای پژوهشی موسسه

در تصویب طرح و رهنمودهای ارزشمند ناظر محترم آقای دکتر غلامعلی فرجادی در راهبری آن مراتب سپاس خود را اعلام کنم.

منابع

- ازوجی، علاءالدین (۱۳۸۶) "تحلیل و ارزیابی سیاست‌ها و عملکردهای بازارکار در برنامه‌های توسعه‌ای ایران". فصلنامه علوم اقتصاد (مدل‌سازی اقتصاد)، دوره ۱، شماره ۱، صص ۵۴-۲۵.
- ازوجی، علاءالدین (۱۳۹۰) "سنجش و تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای بازار کار در برنامه چهارم توسعه". برنامه‌ریزی و بودجه، سال ۱۶، شماره ۲، صص ۱۰۶-۸۳.
- افقه، مرتضی، عبدالمجید آهنگری و حسین عسکری‌پور (۱۳۹۹) "برآورد شاخص توسعه انسانی استان‌های ایران و بررسی تأثیر آن بر رشد اقتصادی با استفاده از منطق فازی"، فصلنامه بررسی‌های اقتصادی، دوره ۱۷، شماره ۲، صص ۱۲۱-۸۹.
- اکبرموسوی، سیدصالح و جعفر حقیقت (۱۳۹۵) "برآورد سری‌زمانی سرمایه انسانی بر مبنای متوسط سال‌های تحصیل (مطالعه موردی ایران، سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۹۲)"، مطالعات اقتصادی کاربردی، دوره ۵، شماره ۱۷، صص ۱۵۰-۱۳۱.
- امینی، علیرضا (۱۳۸۲). "تحلیل نقش مراکز کارایی در بازار کار با نگاهی به تجربه ایران". فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، دوره ۸، شماره ۳.
- امینی، علیرضا (۱۳۹۴) "تحلیل بازار کار و سیاست‌های اشتغال‌زایی اقتصاد ایران (با تأکید بر برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)". مجله اقتصادی، سال ۱۵، شماره ۵ و ۶، صص ۴۰-۲۳.
- پژویان، جمشید و علیرضا امینی (۱۳۸۰) "آزمون تجربی اثر قانون حداقل دستمزد بر اشتغال گروه‌های جمعیتی جوان در اقتصاد ایران". پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۷۴-۵۷.
- دلیری، حسن (۱۳۹۵) "بررسی فرضیه تغییرناپذیری بیکاری در استان‌های ایران"، مدل‌سازی اقتصادی، شماره ۳، صص ۴۵-۲۳.
- دلیری، حسن (۱۳۹۸) "آینده‌پژوهی اشتغال و بیکاری با رویکرد سیاست‌های کلی اشتغال"، سیاست‌های راهبردی و کلان، شماره ۲۷، صص ۳۷۱-۳۴۶.

صالحی‌اصفهانی، جواد (۱۳۹۴) "نقش دولت و خانواده در رشد سرمایه انسانی در خاورمیانه"، مجموعه سخنرانی‌های ماهیانه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، دوم خردادماه ۱۳۹۴.

عباسی شوازی، محمد جلال، میمنت حسینی چاوشی، پیترو مکدونالد، بهرام دلور (۱۳۸۳) *تحولات باروری در ایران: شواهدی از چهار استان منتخب*، تهران: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

علیقلی، منصوره (۱۳۹۵) "بررسی رابطه بین مشارکت زنان در نیروی کار و توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی". *مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۸۶-۶۳.

فرجادی، غلامعلی (۱۳۹۵) "تحلیل تحولات بازار کار، اشتغال و بیکاری در طی سال‌های ۹۴-۱۳۸۵"، مقاله ارائه شده در هشتمین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دانشگاه یزد، ۵ و ۶ آبان ماه ۱۳۹۵.

فروتن، یعقوب و مینا شجاعی (۱۳۹۵) "مطالعه جامعه‌شناختی نابرابری جنسیتی در اشتغال و فعالیت اقتصادی (مطالعه تطبیقی کشورهای خاورمیانه با تأکید بر ایران)"، مقاله ارائه شده در هشتمین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دانشگاه یزد، ۵ و ۶ آبان ماه ۱۳۹۵.

قارون، معصومه (۱۳۹۵) "اشتغال دانش‌آموختگان: واقعیت‌ها و رویکردها"، مقاله ارائه شده در هشتمین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دانشگاه یزد، ۵ و ۶ آبان ماه ۱۳۹۵.

محمودیان، حسین (۱۳۸۲) "بررسی مشارکت زنان در نیروی کار استان‌ها در سال‌های ۵۵، ۶۵ و ۷۵"، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۱، صص ۲۱۸-۱۸۹.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۸) "بررسی روند تغییرات ساختار و ترکیب جمعیت کشور و آینده آن تا افق ۱۴۳۰ شمسی براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵"، تهران، مرکز آمار ایران.

مرکز آمار ایران (سال‌های مختلف)، "نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵-۱۳۶۵"، تهران، مرکز آمار ایران.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۵) "قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران" <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/۱۰۱۴۵۴۷>

مشفق، محمود و محمد میرزائی (۱۳۸۹). "انتقال سنی در ایران: تحولات سنی جمعیت و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی - جمعیتی"، *فصلنامه جمعیت، شماره ۷۱-۷۲*، تهران، سازمان ثبت احوال کشور.

مشیری سعید، حسن طایی و حامد پاشازاده (۱۳۹۴) "عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت نیروی کار در بازار کار ایران"، *پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)* ۱۵(۲): ۷۲-۴۹.

معدلت، کوروش (۱۳۸۰) "تصویری از شکاف اشتغال بالفعل و بالقوه در اقتصاد ایران"، *راهبرد، شماره ۲۰*، صص: ۹۷-۱۲۷.

مهاجرانی، علی اصغر (۱۳۹۰) "بررسی ویژگی‌ها و تغییرات نیروی کار ایران (۸۵-۱۳۴۵)"، مجموعه مقالات همایش تحلیل روندهای جمعیتی کشور، دانشگاه تربیت مدرس، ۲۹ - ۳۰ آذرماه ۱۳۹۰.

مهاجرانی، علی اصغر (۱۳۷۷) "تبیین تفاوت‌های اشتغال و بیکاری در استان‌های اصفهان، گیلان و کهگیلویه و بویراحمد"، پایان‌نامه تحصیلات تکمیلی، دانشگاه تربیت مدرس.

میرزائی، محمد و همکاران (۱۳۸۲). "بررسی و تحلیل مسائل و چالش‌های جمعیتی ایران و پیامدهای آن"، کمیسیون جمعیت و چالش‌های اجتماعی، تهران، شورای عالی انقلاب فرهنگی.

مهینی‌زاده، منصور و بهروز جعفرزاده (۱۳۹۵) "بررسی تأثیر تغییرات ساختاری بر اشتغال و تحرک نیروی کار در اقتصاد ایران"، مقاله ارائه شده در هشتمین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران: تحولات جمعیت، نیروی انسانی و اشتغال در ایران، یزد، دانشگاه یزد، ۵ و ۶ آبان ماه ۱۳۹۵.

Abbasi-Shavazi M. J., McDonald, P. & Hosseini-Chavoshi, M., (2009), *The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction*, Springer.

Aghajanian, A. & Mehryar, A. H. (1999), Fertility, contraceptive use and family planning program activity in the Islamic Republic of Iran, *International Family Planning Perspectives*, 25(2): 98-102.

Anker, R. (1998), *Gender and Jobs, Segregation of Occupations of the World*, ILO, Geneva.

Beaudry, P. & Lemieux, T. (1998). "Evaluation of the Female Labour Force Participation Rate in Canada, 1976-1994: A Cohort Analysis", National Bureau of Economic Research Working Paper, No. 6132.

Clark, R. L. & Anker, R. (1990), Labour Force Participation Rates of Older Persons: An International Comparison, *International Labour Review*, 129(2): 255-271.

Emerson, J. (2011). Unemployment and labor force participation in the United States. *Economics Letters*, 111: 203-206.

- European Commission, Directorate-General for Justice and Consumers, (2019), 2019 *Report on Equality between Women and Men in the European Union*. Publications Office, <https://data.europa.eu/doi/10.2838/395144>
- Fabrizio, Stefania, et al. (2020), *Women in the Labor Force: The Role of Fiscal Policies*, International Monetary Fund.
- Kanapathy, R. & Baharom, A. H. (2013). A review of unemployment and labor force participation rate: Evidence from Sweden, United State and Urban China, *International Business Management*, 54A: 12754-12758.
- Karanassou, M. & Snower, D. J. (2004). Unemployment Invariance, *German Economic Review*, 5(3): 297-317.
- Layard, R., Nickell, S. & Jackman, R. (1991). *Unemployment: Macroeconomic Performance and the Labour Market*, Oxford: Oxford University Press.
- Liu, Q. (2012). Unemployment and Labor Force Participation in Urban China, *China Economic Review*, 23(1): 18-33.
- Liu, D. (2014). The link between unemployment and labor force participation rates in Japan: A regional perspective, *Japan and the World Economy*, 30: 52-58.
- McCormick, Barry, 1997. Regional unemployment and labour mobility in the UK, *European Economic Review*, Elsevier, vol. 41(3-5), pages 581-589, April.
- Osterholm, P. (2010). Unemployment and Labour-force Participation in Sweden, *Economics Letters*, 106(3): 205-208.
- Rowthorn, R. (1999). Unemployment, Wage Bargaining and Capital-labour Substitution, *Cambridge Journal of Economics*, 23(4): 413-425
- Tansel, A., Ozdemir, Z. A. & Aksoy, E. (2015). Unemployment and Labor Force Participation in Turkey, IZA Discussion Paper, No. 8834.
- Westerlund, J. (2006), Testing for Panel Cointegration with Multiple Structural Breaks. *Oxford Bulletin of Economics and Statistics*, 68(1): 101-132.
- Yildirim, Z. (2014). The Unemployment Rate and Labor Force Participation Rate Nexus for Female: Evidence from Turkey, *International Journal of Economics and Finance*, 6(5): 139-147.